

مجموعه مطالعات نفس (۷)

برزخ و تحسم اعمال

تألیف و تدوین

اکبر اقوام کرباسی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سخنی با خواننده.....	۱۵
مقدمه.....	۲۱
برزخ در لغت و اصطلاح.....	۲۱
برزخ در آیات و روایات.....	۲۵
حیات برزخی.....	۲۷
نعمت و عذاب در عالم برزخ.....	۲۹
تجسم اعمال در برزخ.....	۳۰
بدن برزخی.....	۳۲
تکامل در برزخ.....	۳۵
کتابنامه.....	۳۹
ملاحظات چند در باب یکی از مسائل آخرت.....	۴۱

مقدمه

برزخ در لغت و اصطلاح

«برزخ» مفهومی است که به طور ویژه در آموزه‌های اسلامی از آن یاد شده است. لغت‌شناسان این مفهوم را به چیزی که در میان دو شیء یا دو مرحله قرار گیرد، تعریف کرده‌اند. متون وحیانی نیز برزخ را جهانی دانسته‌اند که میان عالم دنیا و عالم آخرت قرار دارد؛ عالمی که روح پس از جدایی از بدن در دنیا (مرگ)، و پیش از آنکه بار دیگر در عالم آخرت به آن بازگردد (قیامت)، در آن عالم سکنی می‌گزیند.

این اصطلاح، در لسان متکلمان نیز به همین معنای وحیانی به کار رفته است؛ هرچند مسائل گوناگون درباره این عالم را بیشتر بر اساس نگرش خود به انسان از یک سو و منهج دریافت روایات و اعتماد به آنها از سوی دیگر تفسیر کرده‌اند؛ برای نمونه اگرچه بنابر برخی گزارش‌ها، گروه اندکی از معتزله و خوارج وجود برزخ را انکار کرده و کوشیده‌اند با استناد به آیات قرآن یا طرح برخی شبهه‌های عقلی در وجود برزخ تردید کنند (تفتازانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۱۲/ قوشچی، ۱۳۹۳، ص ۳۹۱)، برخی دیگر استدلال کرده‌اند باور به عالم برزخ تنها از طریق دلایل نقلی اثبات‌پذیر است و اینکه انسان‌ها بی‌درنگ پس از مرگ به عالمی منتقل شوند که

در آن نیکوکاران در تنعم و بدکاران در عذاب باشند، مسئله‌ای نیست که عقل به آن راهی داشته باشد (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۷ق، ص ۷۳۲)؛ اما گروه دیگری از موافقان عالم برزخ معتقدند افزون بر ادله نقلی، ادله عقلی هم می‌تواند به کمک اثبات و بیان چگونگی عالم برزخ درآید (برای نمونه نک: علامه حلی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۲۴)؛ ادله‌ای که با قبولِ تجردِ روح انسانی و یا حتی استقلالِ روح از بدن و بقای آن پس از مرگ، به اثبات عالم برزخ دست می‌یازد. با این همه، چه استدلال‌های عقلی را در کنار ادله نقلی کارآمد بدانیم و چه ناکارآمد، اصل مسئله چنان روشن است که برخی اندیشمندان احتمال ضروری بودن اعتقاد به عالم برزخ را چندان بعید ندانسته‌اند (شبر، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۶۴). باری! ثبوت عالم برزخ نقطه اتفاق تمامی ایده‌پردازی‌های اندیشمندان مسلمان است؛ هرچند در چگونگی و ویژگی‌های آن عالم با یکدیگر اختلاف داشته باشند؛ مواردی همانند بهشت و جهنم برزخی، عذاب قبر و فشار آن و... (برای نمونه نک: جراحی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۳۱۷-۳۱۸).

اما اهالی فلسفه و عرفان، این مفهوم را با ویژگی‌هایش دو نظام فکری خویش شناسانده‌اند که هر کدام تفصیل خاص خود را دارند. در فضای فکری فلسفه، برزخ به عالمی گفته می‌شود که حد واسط میان عالم مجردات و عالم مادیات است. نیم‌نگاهی به آثار فیلسوفان نشان می‌دهد که «عالم مثال» مشهورترین نام برای نشان دادن این عالم است؛ با این همه، عالم برزخ در آثار فیلسوفان با عنوانی همچون عالم «خیال منفصل» در نظام حکمت اشراقی و یا «خیال متصل» در نظام حکمت صدرایی شناسانده شده است (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۰۲). البته از این عالم با عنوان غیر مشهور دیگری چون «خیال مطلق»، «ارض حقیقت»، «اقلیم ثامن»، «هُوزَ قَلِیَا»، «عالم برازخ»، «ملکوت اسفل»، «اشباح مجرد»، «صُور معلقه»، «شهادت مضاف» و «خیال عالم» هم یاد شده است. شکل

وجودی برزخ در فضای فلسفه همسو و همگام با دیدگاه ایشان در نظام عالم هستی است. بر اساس نظریه فیلسوفان، فهم و ادراک آدمیان متناظر با عالم هستی، به سه مرتبه بخش پذیر است: الف) مرتبه ادراک حسی (شامل باصره، سامعه، شامه، ذائقه و لامسه)؛ ب) مرتبه ادراک خیالی؛ ج) مرتبه ادراک عقلی.

ادراک حسی مستلزم مواجه شدن و روبه روشن شدن شخص ادراک کننده با مدرک است؛ در حالی که ادراک خیالی چنین نیست. آنچه از طریق خیال در مرتبه ادراک انسان واقع می شود، هر چند از یک جهت همانند موجودی محسوس دارای شکل و مقدار است، از جهت دیگر ماده و مدت ندارد و روبه روشن شدن شخص ادراک کننده با مدرک نیز ضروری نیست؛ اما ادراک عقلی از جهت شمول و گسترش بالاتر از ادراک حسی و خیالی است و نه تنها به مواجهه ادراک کننده با مدرک بستگی ندارد؛ بلکه مدرک خود از هرگونه شکل و مقدار عاری و مبرا است؛ به این ترتیب گسترش و شمول ادراک خیالی بیشتر از ادراک حسی است و گستره شمول و احاطه ادراک عقلی به هیچ وجه با میزان حسی و خیال قابل اندازه گیری نیست.

مراحل سه گانه ادراک در انسان به حکم اینکه انسان در نظر حکما عالم صغیر شناخته می شود، معادل و موازی با سه مرتبه از مراتب هستی است که هر کدام از این مراتب، جهان خاصی را تشکیل می دهد: جهان مادی جسمانی که چون متعلق ادراک حسی قرار می گیرد، عالم محسوسات نامیده می شود و به عالم طبیعت یا ناسوت نیز موسوم است. در این عالم، هریک از موجودات مسبوق به ماده و مدت است و به همین جهت هرگز از نوعی تغییر و تحول خالی نیست. در مقابل این عالم، عالم مجردات محض قرار دارد که از هرگونه ماده و مدت مبرا است و در نتیجه دستخوش تغییر و فساد نمی شود. این عالم در اصطلاح حکما،

عالم عقول خوانده می‌شود. واسطه میان جهان محسوس مادی و عالم مجردات محض یا همان عالم عقول، عالم برزخ است که متناظر با مرتبه خیال در عالم ادراک انسانی است (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۷۳).

اما به عالم برزخ در میان عارفان بیشتر توجه شده است. عارفان عالم وجود را عرصه تجلیات و ظهورات خداوند می‌دانند که در اندیشه آنان در پنج رتبه و طبقه، به نام حضرات خمس دسته‌بندی می‌شود: اول حضرت غیب مطلق (تعین خداوند در مرتبه احدیت و واحدیت)؛ دوم: عالم عقل؛ سوم: عالم مثال یا برزخ؛ چهارم: عالم ماده یا عالم شهادت و پنجم: مرتبه حضرت جامعه که جامع هر چهار مرتبه پیشین است (کاشانی، ۱۴۲۶ق، ص ۷۷-۷۹).

این جریان از وجود دو برزخ دم می‌زنند؛ یکی «برزخ نزولی» در قوس نزولی وجود که در واقع تجلی خداوند در مرتبه‌ای از عالم هستی است که آن عالم، مجرد است و دیگری «برزخ صعودی» در قوس صعودی وجود که عالم ارواح انسانی بعد از مفارقت از نشئه دنیایی است و به ترتیب «غیب امکانی» و «غیب محالی» نامیده شده است (جامی، ۱۳۷۰، ص ۵۷). در تعبیرهای عارفان به برزخ دیگری هم بر می‌خوریم که به «برزخ جامع» موسوم است. این برزخ به مرتبه واحدیت و مقام تعین اول ناظر است و از آنجاکه برزخ جامع، اصل تمامی برازخ به‌شمار می‌رود، از این رو به نام‌هایی همچون برزخ اول، برزخ اکبر و برزخ اعظم نیز خوانده می‌شود (کاشانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵). در این مجموعه، مقاله «ماهیت نفس حیوانی و فرجام آن از دیدگاه ملاصدرا» و «فص یونسی در حکمت نفس انسانی» به گوشه‌هایی از این داستان در نظر فیلسوفان و عارفان پرداخته و نشان داده است که حقیقت برزخ در نگاه ایشان چگونه می‌باشد؛ همچنین مقاله «سیری تطبیقی در معنای برزخ و مثال از دیدگاه فلاسفه، عرفا و متکلمان»، عالم

مثال وبرزخ را از منظر سه جریان فکری کلام، فلسفه و عرفان بررسی کرده است.

برزخ در آیات و روایات

به لحاظ کمی، قرآن مجید چندان به عالم برزخ نپرداخته است؛ اما همین تعبیرها و مضامین اندک قرآنی، چنان صریح و روشن هستند که اصول کلی آن عالم را برای ما روشن می‌کنند. در قرآن کریم دست‌کم هفت آیه وجود دارد که به برزخ و ویژگی‌های آن و یا احوال ساکنان آن پرداخته است. از این میان، چهار آیه که صراحت بیشتری در این موضوع دارند، بیشتر مورد توجه اندیشمندان بوده است. نخست، صدمین آیه از سوره مؤمنون است که خداوند در آیات قبلی آن، از چگونگی وضع کافران و ظالمان و مجرمان در دنیا سخن گفته تا آنکه هنگام مرگ آنان فرا می‌رسد. در آن زمان، این افراد از خداوند تقاضا می‌کنند که به دنیا بازگردانده شوند تا شاید عمل صالحی انجام دهند و گذشته خویش را جبران کنند؛ اما با پاسخ منفی آمیخته با برهان خداوند رو به رو می‌شوند که اگر باز گردید، دیگر بار همان رفتار پیشین را تکرار می‌کنید. در ادامه می‌افزاید: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» و در پشت سرشان تا روز رستاخیز مانعی - در راه بازگشت آنها - است «(مؤمنون: ۱۰۰)». بیشتر مفسران قرآن، واژه «وَرَاء» را به معنای «آمام؛ پیش رو» یا مترادف‌های آن دانسته‌اند و بدین صورت، این نکته را یادآور شده‌اند که این آیه، بازگشت به دنیا را به طور مطلق نفی می‌کند. به هر حال همان طور که ملاحظه می‌شود این آیه با اشاره به منزلگاه اول، یعنی منزلگاه «مرگ» شروع شد و با منزلگاه دوم، یعنی «برزخ» ختم گردید. درواقع آیه یادشده آشکارا به وجود چنین عالمی در میان دنیا و آخرت که آدمیان در آن هنگام بر انگیزخته می‌شوند، اشاره می‌کند.